

سُورَةُ الْمُجَادَلَةِ ٥٨

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران
قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا ۚ إِنَّ
اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ



سخن‌های آن زن شنید کردگار که آمد رسول! پیش تو بی‌قرار
شکایت همی کرد بر ذوالجلال ز شوهر که بود دائماً در جدال
شنید جملگی را خداوند تمام از آن شکوه‌ها که بیاورد مدام
بود ذات ایزد سمیع و خبیر به اسرار، بیناست و باشد بصیر
الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِّنْ نِّسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ ۚ إِنَّ أُمَّهَاتَهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ
لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ



کسانی که بر همسر خویشان بخوانند ظهاری مر او از محن
که یعنی تو باشی چو مادر مرا نباشی زن من، نخواهم تو را
بگویند چنین، بهر تحقیر زن برانند قولی غلط بر دهن
نباشند زنان مثل آن مادران که مادر نشد کس، مگر زادشان
چنین گفته بد هست و از روی زور بسی هست بخشنده ذات غفور
وَ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ۚ مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ۚ
ذَلِكُمْ تُوَعِّظُونَ بِهِ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

کسانی که بهر زن خویشان
ولیکن پشیمان ز افکار خویش
بر ایشان بود نیز کفاره‌ای
چنین کار باید شود بی‌گزند
بر این قول هست حکمتی بی‌کران
خبیر است و آگاه ربّ جهان
نموده ظاهر در خفا و علن
گند توبه‌ای هم ز کردار پیش
که آزاد کند عبد بیچاره‌ای
ز قبل از که هم‌بستر هم شوند
که ذات خداوند دهد پندتان
به نیات و هم نیز بر اعمالتان

فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ۖ فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ۚ ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۖ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ

نباشد میسر اگر هیچ‌گاه
به جایش بگیرد روزه، دو ماه
اگر ناتوان است ز بهر صیام
به شصت فرد محتاج نان و فقیر
چنین کار کند قبل آنکه زنش
بود زین سبب تا که آگه شوید
به احکامی این‌گونه آرید قبول
حدودی چنین هست ز ربّ رحیم
که آزاد کند بنده‌ای را به راه
بر این نیت او نزد ذات اله
تواند به جایش ببخشد طعام
که از سفره‌ی او بگردند سیر
دگر باره گردیده هم‌بسترش
به یزدان و پیغمبرش بگروید
که فرض است و لازم، نشاید عدول
نصیب است به کفار عذاب الیم

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۚ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ

کسانی که از روی جهل و خلاف
به دوزخ بیفتند ایشان‌چنان
کنند با خدا و رسول اختلاف
که گشتند نگون نیز پیشینیان

چو آیاتِ خود را نمودیم وعید به تحقیق، حجتِ بگردید پدید
و کفارِ ناهل که هیچ نگروند شوند از عذاب جمله خوار و نژند
يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ



به روزی که خلاقِ هر دو جهان برانگیزد از قبر همه مردگان
عمل هر چه کردند نهان و عیان نماید خدا یاد و آگاهشان
فراموش آرند زِ خود مظلومه ولیکن شمارش کند حق همه
به هر چیز آن ذاتِ پاکِ اله بود شاهد و هم شهید و گواه
أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ط مَا يَكُونُ مِنْ تَجَوَّى ثَلَاثَةً إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةَ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ



ندانستی تو آگه است حق یقین؟ به هر چه بود در سماء و زمین
نباشد سخن، رازی بین سه کس مگر که چهارم خدا هست و بس
نگویند اسراری هیچ پنج تنی مگر که ششم آگهست رب، همی
نه کمتر زِ این و نه بیشتر از آن به جز آنکه حق هست در بینشان
به هر جا که جمعی بود رازگوی بود شاهد، ایزد بر آن گفتگوی
قیامت‌سرا تا که ظاهر شوند خبر دارد ایزد که چه کرده‌اند
زِ هر امری آگه بود آن کریم به هر چیز باشد خبیر و علیم

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ط ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِاللَّيْلِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ ج حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلُونَهَا ط فَبئسَ الْمَصِيرُ



نبینی تو آیا دگر آن خسان؟
 ولیکن ز آنچه که نهی می‌شدند
 به سرپیچی و اجتناب از اصول
 چو پیش تو آیند و رانند کلام
 به نحوی سلام آورند از صلاح
 ز ریشخند بپرسند از خود سؤال
 چرا پس خداوند ز بهرِ عقاب؟
 بود کافی از بهرِ ناباوران
 که بد جایگاه‌یست از بهرشان
 که نهی گشته بودند ز نجوایشان
 سخن باز ز نجوا همی می‌زدند
 بگویند نجوا ز ظلم بر رسول
 ز مکر و تظاهر بگویند سلام
 که ایزد نکردست آن را مباح
 اگر حق بود با رسول بالمآل
 ندادست بر ما کنون هیچ عذاب
 عذاب جهنّم در اعماقِ آن
 مُعَذِّب بمانند همی جاودان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ



کسانی که هستید از مؤمنان!
 نرانید چنین راز روی عدول
 چو نجوا نمایید اندر نهان
 بترسید ز ایزد در این روزگار
 چو رازی بیارید اندر بیان
 که عصیان و ظلمی شود بر رسول
 ز تقوا و نیکی بیارید بیان
 که رجعت بود سوی پروردگار

إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ



چو نجوا بود کاری پر از خطا
 که تا مؤمنان را کند غمگسار
 ولی مؤمنان را نبخشد ضرر
 همه مؤمنان نیز در روزگار
 بیاید ز ابلیسِ دون از جفا
 ز نجوا و عصیان و کفر، آشکار
 مگر اذنِ یزدان رساند اثر
 نمایند توکل به پروردگار

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ
 أَنْشُرُوا فَأَنْشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
 خَبِيرٌ

﴿۱۱﴾

کسانی که بر ذاتِ حق مؤمنید!	بگویند اگر جای خود را دهید
به مجلس که هستید بر دور هم	تعارف بیارید ز جا بیش و کم
چو جا باز کنید بهر دیگر کسان	گشایش دهد بیش خدا بهرتان
اگر که بگویند برخیز ز جا	اجابت نماید برای خدا
کسانی که دارند ایمان و علم	دهد رتبه‌ی مرتفع حق ز حلم
بود آگه آن ذاتِ حق و بصیر	بر آنچه نماید باشد خبیر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ۚ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ
 وَأَطْهَرٌ ۚ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

﴿۱۲﴾

شما اهل ایمان و ای مؤمنان!	اگر که بخواهید خفا و نهان
کنید با رسولِ خداوند سخن	دهید صدقه قبلاً ز بهرِ محن
صلاح است و باشد همی خیرتان	شود کارتان پاک و تطهیر ز آن
ندارید اگر استطاعت ز مال	غفور و رحیم است آن ذوالجلال

أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٌ ۚ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا
 الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

﴿۱۳﴾

بترسید آیا از این امر همی؟	که قبل از سخن گفتنِ با نبی
تصدّق دهید در رهِ کردگار	نخواهید بپویند این‌گونه کار؟

ندارید اگر استطاعت ز مال ببخشد خداتان ز فضل و کمال
 به جایش بدارید برپا نماز زکاتی دهید نیز به اهل نیاز
 نمایید آیین حق را قبول به راه اطاعت ز حق و رسول
 بود ذات ایزد علیم و بصیر بر اعمالتان نیز باشد خیر

الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

﴿۱۴﴾

ندیدی رسولا! مگر آن کسان؟ که اهل نفاقند در بینتان
 کنند دوستی با برخی از مردمان که مغضوب حق گشته‌اند در جهان
 نباشند ز جمع شما مسلمین و هم نیز نباشند ز آنها یقین
 قسم‌ها کنند یاد، روی دروغ که خود نیز بدانند ندارد فروغ

﴿۱۵﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى
 الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

﴿۱۵﴾

خدا هم ز بهر همین غافلان مهیا نموده عذابی گران
 که حاصل بود زان همه سیئات که کردند ز اعمال خود هر جهات

إِتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

﴿۱۶﴾

گرفتند قسم‌های خود را سپر که یابند امان و نبینند ضرر
 بگشتند سدی به راه اله که تا مردمان را کشند بر گناه
 بر ایشان بود ذلتی يوم دین عیبی که باشد عذاب مهین

لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

بسی مال و جاه و زِ اولادشان نبخشد اثر بر عذاب‌هایشان
 شوند این گروه جزوِ اصحابِ نار که جاوید بمانند در آن حالِ زار
 يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ اَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ ؕ اَلَا
 اِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ

به روزی که ذاتِ خداوندگار کند زنده اموات و گیرند قرار
 دگرباره ایشان قسم کرده یاد چنان که به دنیا نمودند زیاد
 خوردند از جهالت به ایزد قسم که بلکه کند فایده بیش و کم
 گمان آورند که ببخشد اثر ندانند نبخشد چنین کار ثمر
 همین قوم غافل و این مشرکان بوند جمله از زمره‌ی کاذبان
 اِسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللّٰهِ ؕ اُولَٰئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ؕ اَلَا اِنَّ حِزْبَ
 الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ

بر ایشان شده غالب اندر امور همان ذاتِ شیطانِ پستِ شرور
 بردند از یادِ خود کردگار زِ ذکرِ خدا غافلند آشکار
 شوند حزبِ شیطان، قومِ لعین زیانکار بود حزبِ شیطان یقین
 اِنَّ الَّذِيْنَ يُحَادُّوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهُ اُولَٰئِكَ فِي الْاَذَلِّينَ

کسانی که روی عناد و خلاف کنند با خدا و رسول اختلاف
 میان همه مردمان اجمعین بگردند ایشان یقین، پست‌ترین

كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي ۚ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

﴿۲۱﴾

به حکمی ز آن خالقِ لم یزل نوشته بگشته به لوحِ ازل
که من با رسولانِ خود هر زمان شویم غالب و چیره اندر جهان
بود مقتدر و قوی کردگار عزیز و قدیرست و بااقتدار

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ
أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ ۚ أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ ۖ
وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۚ
أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ ۚ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

﴿۲۲﴾

نیایی گروهی تو از مؤمنین	که بر خالق و همچنین یومِ دین
بدارند ایمان و با اعتقاد	شوند دوست با مردمِ بدنهاد
و یاور بگردند به آن دشمنان	عدوی نبی و خدای جهان
اگر چه بود بهر ایشان پدر	و یا جمله اولادِ او سربه‌سر
برادر بود یا که خویش و تبار	مقابل بمانند همی استوار
به دل‌های ایشان خدای جهان	نگاشته بسی نور ز ایمانشان
ز روح‌القدس نیز ایشان یقین	مؤید بگردیده‌اند اجمعین
بیایند داخل به باغِ بهشت	بر ایشان بود این‌چنین سرنوشت
بهشتی که در زیر پاهایشان	بسی جوی، جاری بگشته روان
در آنجا بمانند همی جاودان	رضا هست ز ایشان خدای جهان
خداوند، خوشنود ز ایشان همه	و این جمع، خرسند ز یزدان همه
بگردند ایشان ز حزبِ اله	به عزّت بیابند جمله پناه
که حزبِ خداوندگار جهان	شوند رستگار و همه مفلحان